





دانشگاه قم

دانشکده حقوق

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی

عنوان:

بررسی فقهی و حقوقی

خشونت جنسی نسبت به زوجه

استاد راهنما:

دکتر جلال الدین قیاسی

نگارنده:

ریحانه اکبری

زمستان ۱۳۹۶

تقدیم به

ماحصل آموخته‌هایم، پیشکش وجود مادرم

سنگ صبوری که الفبای زندگی به من آموخت

و تقدیم به تمام زنان خاموش سرزمینم

تقدیر و تشکر

سپاس بی کران پروردگار یکتا را که هستی‌ام بخشید

به طریق علم و دانش رهنمونم ساخت

به هم‌نشینی رهروان علم و دانش مفتخرم نمود

خوشه‌چینی از علم و معرفت را روزی‌ام نمود.

بر خود لازم می‌دانم بدین‌وسیله از زحمات تمامی اساتید دوره کارشناسی ارشد و به‌ویژه از

زحمات استاد فرزانه، **جناب آقای دکتر جلال‌الدین قیاسی** که راهنمایی این پایان‌نامه را بر

عهده گرفتند و از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ ننمودند و با سعه‌ی صدر و حسن خلق مرا

در به پایان رساندن این مسیر رهنمون ساختند، کمال قدردانی و تشکر را داشته باشم.

چکیده

خشونت جنسی نسبت به زوجه، در اعلامیه جهانی محو خشونت علیه زنان به عنوان یکی از مصادیق خشونت علیه زنان مورد شناسایی قرار گرفت و به دنبال آن برخی از کشورها اقدام به جرم‌انگاری بسیط و بعضاً محدود این قسم از خشونت تحت عنوان جرم تجاوز زناشویی نمودند؛ اما با وجود اهتمام مجامع بین‌المللی به شناسایی تجاوز زناشویی در قوانین داخلی کشورها، تاکنون هیچ‌یک از قوانین کیفری کشورمان متعرض این موضوع نشده‌اند؛ لذا در این پایان‌نامه به منظور امکان‌سنجی جرم‌انگاری خشونت جنسی نسبت به زوجه در فقه و حقوق ایران، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، ارکان این جرم در حقوق برخی از کشورها مورد بررسی قرار گرفت که عموماً شامل کلیه رفتارهای جنسی بدون رضایت زوجه می‌شد و برحسب قوانین حاکم بر کشورهای مختلف، ضمانت اجرای تعیینی آن از شدت و یا ضعف برخوردار بود. در رویکرد فقهی به خشونت جنسی نسبت به زوجه، تبیین گشت که فقه پویای ما ظرفیت و بستر لازم برای انطباق با مقتضیات روز جامعه و عرصه جهانی را با توجه به احکام ثانویه‌ای مانند قاعده نفی ضرر، قاعده نفی حرج، قاعده حرمت ایذاء واصل معاشرت به معروف را داراست؛ اما شناسایی جرم خشونت جنسی نسبت به زوجه به عنوان جرمی هم‌پایه‌ی تجاوز جنسی و آن‌گونه که در حقوق غرب مطرح است؛ جز با ارائه‌ی تعریف جدیدی از زنای به عنف در حقوق ایران بعید است، اما به نظر می‌رسد مواردی از آنچه که در حقوق غرب به عنوان خشونت جنسی نسبت به زوجه وجود دارد، در حقوق ما به عنوان جرم تعزیری قابلیت جرم‌انگاری را داراست.

واژگان کلیدی: خشونت، خشونت جنسی، تجاوز زناشویی، زوجه، تمکین

فهرست مطالب

| عنوان..... | صفحه..... |
|---|---------------|
| مقدمه..... | ۱..... |
| الف) بیان مسأله..... | ۱..... |
| ب) سؤالات اصلی تحقیق..... | ۲..... |
| ج) فرضیه‌های تحقیق..... | ۲..... |
| د) سابقه و پیشینه تحقیق..... | ۳..... |
| ه) ضرورت انجام تحقیق..... | ۴..... |
| و) هدف‌ها و کاربردهای مورد انتظار از انجام تحقیق..... | ۴..... |
| ز) روش تحقیق..... | ۵..... |
| ح) ساماندهی تحقیق..... | ۵..... |
| فصل اول: کلیات..... | ۶..... |
| مبحث اول: مفاهیم ناظر بر خشونت جنسی نسبت به زوجه..... | ۷..... |
| گفتار اول) مفهوم خشونت..... | ۷..... |
| گفتار دوم) مفهوم خشونت جنسی..... | ۱۰..... |
| بندالف: خشونت جنسی در حقوق بین‌الملل کیفری..... | ۱۲..... |
| بند ب: خشونت جنسی در حقوق داخلی..... | ۱۳..... |
| گفتار سوم) مفهوم تجاوز زناشویی (خشونت جنسی نسبت به زوجه)..... | ۱۴..... |
| گفتار چهارم) مفهوم زوجه..... | ۱۶..... |
| گفتار پنجم) مفهوم تمکین..... | ۱۶..... |
| مبحث دوم: مصادیق خشونت جنسی نسبت به زوجه..... | ۱۸..... |
| گفتار اول: خشونت جنسی نسبت به زوجه با ایراد ضرب و جرح..... | ۱۸..... |

- گفتار دوم: خشونت جنسی نسبت به زوجه با اعمال زور و قدرت ۱۹
- گفتار سوم: خشونت جنسی نسبت به زوجه با اعمال سادیسمی و وسواس گونه ۱۹
- مبحث سوم) پیامدهای خشونت جنسی نسبت به زوجه ۲۲
- گفتار اول: آثار روانی خشونت جنسی نسبت به زوجه ۲۲
- گفتار دوم: آثار جسمی و فیزیکی خشونت جنسی نسبت به زوجه ۲۲
- گفتار سوم: پیامدهای جنسی، خشونت جنسی نسبت به زوجه ۲۳
- گفتار چهارم: پیامدهای خشونت جنسی نسبت به زوجه بر کودکان ۲۳
- مبحث چهارم: سیر تحولات تاریخی و تقنینی جرم خشونت جنسی نسبت به زوجه ۲۴
- گفتار اول) نقطه شروع تاریخی معافیت زوج از تجاوز زناشویی ۲۴
- گفتار دوم) تلاش برای لغو معافیت از تجاوز زناشویی ۲۸
- بند اول: ایالات متحده آمریکا ۲۸
- بند دوم: انگلستان ۳۱
- گفتار سوم) برخوردهای جهانی با موضوع خشونت جنسی نسبت به زوجه ۳۴
- مبحث پنجم: مبانی جرم انگاری خشونت جنسی نسبت به زوجه (تجاوز زناشویی) در حقوق غرب و اسناد حقوق بشری ۳۹
- گفتار اول) برقراری عدالت و برابری در حقوق جنسی زوجین ۴۰
- گفتار دوم) توجه به لزوم حفظ کرامت انسانی زوجه ۴۱
- گفتار سوم) شناسایی حاکمیت اراده زوجه بر تمامیت جسمانی خویش ۴۲
- فصل دوم: رویکرد حقوق کشورهای غربی به خشونت جنسی نسبت به زوجه ۴۴
- مبحث اول: موضع حقوق کیفری ایالات متحده آمریکا ۴۵
- گفتار اول) ایالت کالیفرنیا ۴۶
- گفتار دوم) ایالت اوهایو ۵۰
- گفتار سوم) ایالت اوکلاهما ۵۰

| | |
|---|-----------|
| گفتار چهارم) ایالت کارولینای جنوبی | ۵۰ |
| گفتار پنجم) ایالت ویرجینیا | ۵۱ |
| مبحث دوم: موضع حقوق کیفری انگلستان | ۵۲ |
| مبحث سوم: موضع حقوق کیفری آلمان | ۵۵ |
| مبحث چهارم: موضع حقوق کیفری کانادا | ۵۸ |
| فصل سوم: رویکرد فقه اسلامی و حقوق ایران به خشونت جنسی نسبت به زوجه ... | ۶۱ |
| مبحث اول: امکان سنجی جرم انگاری خشونت جنسی نسبت به زوجه در فقه و حقوق ایران | |
| ۶۲ | ۶۲ |
| گفتار اول) مبانی فقهی جرم انگاری خشونت جنسی نسبت به زوجه | ۶۶ |
| بند الف: قاعده لاضرر | ۶۶ |
| بند ب: قاعده نفی عسر و حرج | ۶۸ |
| بند ج: قاعده معاشرت به معروف | ۶۸ |
| بند د: قاعده حرمت ایذای مومن (زوجه) | ۶۹ |
| مبحث دوم: مصادیق قابل احصاء خشونت جنسی نسبت به زوجه در فقه | ۷۲ |
| گفتار اول) خشونت در روابط متعارف جنسی | ۷۲ |
| بند الف: تنبیه بدنی زوجه ناشزه به منظور واداشتن وی به تمکین | ۷۴ |
| بند ب: واداشتن زوجه به تمکین با اجبار | ۸۱ |
| بند ج: واداشتن زوجه به تمکین با اکراه و تهدید | ۸۱ |
| بند د: واداشتن زوجه به تمکین با ایجاد حالت اضطرار در وی | ۸۱ |
| بند ه: واداشتن زوجه به تمکین برخلاف شروط ضمن عقد نکاح | ۸۱ |
| گفتار دوم) خشونت جنسی نسبت به زوجه در روابط نامتعارف جنسی | ۸۳ |
| بند الف: واداشتن زوجه به وطی مقعدی (وطی در دبر) | ۸۴ |
| بند ب: واداشتن زوجه به وطی دهانی | ۸۶ |

- بند ج: واداشتن زوجه به وطنی ابزاری ۸۷
- بند د: واداشتن زوجه به روابط جنسی آزاردهنده توأم با انحرافات جنسی زوج ۸۸
- الف. رابطه جنسی سادیسمیک سمبولیکی (انحراف زوج به دیگرآزاری سمبولیک ۸۸
- ب. رابطه جنسی سادیسمیک بدنی (انحراف زوج به دیگرآزاری بدنی) ۸۹
- ج. رابطه جنسی سادومازوخیسمی (اختلال دیگرآزاری همراه با خودآزاری) ۸۹
- د. رابطه جنسی آمیخته به جنون مقاربت ۸۹
- گفتار سوم)خشونت جنسی نامشروع نسبت به زوجه(در ایام عروض حرمت شرعی)..... ۹۰
- بند الف: واداشتن بدون رضایت زوجه به تمکین در ایام حیض ونفاس ۹۰
- بند ب: واداشتن بدون رضایت زوجه به تمکین در ایام صوم ۹۱
- بند ج: واداشتن بدون رضایت زوجه به تمکین در زمان احرام حج ۹۲
- بند د: واداشتن بدون رضایت زوجه به تمکین در زمان اعتکاف ۹۲
- گفتار چهارم)خشونت جنسی نسبت به زوجه در روابط دارای خوف ضرر ۹۳
- بند الف: واداشتن بدون رضایت به تمکین در مواقع ابتلا زوجه به بیماری ۹۳
- بند ب: واداشتن زوجه به تمکین در صورت ابتلای زوج به امراض مقاربتی ومسری ۹۴
- مبحث سوم: راهکارهای مقابله با خشونت جنسی نسبت به زوجه در حقوق ایران ۹۵
- گفتار اول) راهکارهای کیفی در قبال خشونت جنسی زوج ۹۵
- بند الف: قصاص ۹۵
- بند ب: پرداخت دیه ۹۶
- الف. مرگ زوجه در حین مقاربت ۹۷
- ب. افضاء در حین مقاربت ۹۷
- بند ج: حد ۹۸
- بند د: تعزیر ۹۸
- گفتار دوم) راهکارهای مدنی در قبال خشونت جنسی زوج ۱۰۰

| | |
|----------------------------------|-----|
| بند الف: درخواست طلاق | ۱۰۰ |
| بندب: تمسک به شروط ضمن عقد | ۱۰۱ |
| نتیجه گیری:..... | ۱۰۴ |
| پیشنهادات:..... | ۱۰۶ |
| فهرست منابع و مآخذ..... | ۱۰۷ |

مقدمه

الف) بیان مسأله

در اغلب جوامع امروزی خشونت جنسی در خارج از خانواده جرم‌انگاری گردیده است، اما به محض اعمال خشونت در خانواده، قوانین و اخلاقیات حاکم، با سکوت و بی‌توجهی به تداوم آن یاری رسانده‌اند؛ این مسأله به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه بیشتر مشاهده می‌شود. یکی از اقسام خشونت که به دلیل مسائل فرهنگی، اجتماعی و مذهبی کمتر مورد توجه قرار گرفته، اعمال رفتارهای خشونت‌آمیز جنسی علیه زوجه، به منظور واداشتن وی به تمکین است.

خشونت جنسی نسبت به زوجه به صورت مختلفی اعم از ضرب و جرح، زندانی کردن در خانه و یا به شکل اعمال خشونت روانی در قالب ایجاد رعب و وحشت، ایجاد اضطراب، تهدید و یا بعضاً از طریق رابطه جنسی غیرمترعارف و بدون رضایت زوجه به وقوع می‌پیوندد. در همین راستا و با توجه به آسیب‌ها و عوارض ناشی از اعمال خشونت جنسی علیه زنان بخصوص در زندگی خانوادگی که موضوع این تحقیق است؛ در سال ۱۹۹۳ برای نخستین بار، جامعه بین‌المللی حقوق بشر، رسماً تمامی اشکال خشونت علیه زنان اعم از جنسی، جسمی و روانی را مغایر با کرامت انسانی و از موارد نقض حقوق بشر دانست. به همین دلیل اغلب مکاتب حقوقی غربی، آمیزش جنسی همراه با عنف و اکراه را در روابط زناشویی ممنوع اعلام نموده‌اند؛ به‌عنوان نمونه در حقوق کیفری کشور انگلستان شوهر در صورتی که بدون رضایت زن با وی آمیزش نماید، مرتکب جرم تجاوز جنسی شناخته می‌شود.

اما وضعیت در فقه اسلامی و حقوق ایران به‌گونه‌ای دیگر بوده و زوجه ملزم به تمکین از شوهر در ایفای وظایف جنسی است و حتی در صورت عدم رضایت به تمکین بدون وجود عذر موجه نظیر بیماری و عادت ماهیانه و... موجب محرومیت زوجه از نفقه شده و ضمانت اجراهایی نیز در آیات و روایات برای عدم ایفای این وظایف جنسی از سوی زوجه در نظر گرفته شده است، از جمله «واهجروهن فی المضاجع»، به معنای دوری کردن از زوجه ناشزه در بستر و حتی در مرتبه بالاتر عبارت «واضربوهن» به معنای زدن، در مورد زنان ناشزه به‌کاررفته است.

اگر بخواهیم سطحی به پیکره‌ی این آیات بنگریم می‌تواند منجر به این نقد گردد که اسلام به‌نوعی خشونت علیه زنان را تجویز نموده است. در شریعت اسلامی رضایت به عقد نکاح به‌صورت ضمنی دال بر رضایت به وقوع رابطه زناشویی نیز هست و این به‌عنوان یک حق برای شوهر در نظر گرفته‌شده است، اما همان‌گونه که بیان گردید، در حقوق غرب رضایت زن به رابطه زناشویی شرط است و حتی در صورتی که تمکین جنسی از همسر را حقی برای مرد بدانند، معتقدند استیفای این حق به نحوی نیست که بدون رضایت زوجه قابل استیفا باشد و در صورت عدم رعایت این شرط، ضمانت اجرای سنگین جرم تجاوز به عنف^۱ برای آن در نظر گرفته‌شده است. فلذا با توجه به مطالب گفته‌شده، سؤالات اصلی تحقیق بدین شرح بیان می‌گردد؛

ب) سؤالات اصلی تحقیق:

۱- مقصود از جرم تجاوز زناشویی یا همان خشونت جنسی نسبت به زوجه در ادبیات نظام‌های حقوقی غربی چیست؟

۲- با چه مبنایی می‌توان، تمامی یا برخی از مصادیق خشونت جنسی نسبت به زوجه را در فقه و حقوق ایران جرم‌انگاری نمود؟

ج) فرضیه‌های تحقیق:

۱- به نظر می‌رسد در اغلب نظام‌های حقوقی غربی، جرم خشونت جنسی نسبت به زوجه هرگونه برقراری رابطه جنسی بدون رضایت و عامدانه زوج بالغ و عاقل و یا به همراه اجبار و عنف، تهدید و ارباب و توقعات غیرمتعارف شوهر از زوجه در رابطه جنسی را در برمی‌گیرد.

۲- به نظر می‌رسد به‌استثنای برخی از موارد مانند ایراد ضرب و جرح، تحمیل رابطه زناشویی به‌واسطه‌ی اکراه و یا مضطر ساختن زوجه و برقراری رابطه زناشویی در ایام بیماری و مواردی که از لحاظ شرعی برقراری رابطه جنسی ممنوع است، در سایر موارد نمی‌توان در حقوق ایران مبنایی برای جرم‌انگاری تمام مصادیق شناخت شده خشونت جنسی در حقوق غرب پیدا نمود.

د) سابقه و پیشینه تحقیق:

در ارتباط با خشونت علیه زنان تاکنون مقالات و کتب بسیاری به رشته تحریر درآمده است که بخشی از آنها نیز بعضاً متعرض مبحث خشونت جنسی در روابط زناشویی به عنوان یکی از مصادیق اعمال خشونت علیه زنان شده‌اند. از جمله این آثار می‌توان به کتب: «کالبدشکافی خشونت علیه زنان» نوشته‌ی شهین دخت مولوردی، تهران: نشر حقوقدان، دانش نگار، ۱۳۸۵؛ «پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران» به قلم مهرانگیز کار، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۹۰ و «حمایت از زنان در برابر خشونت، سیاست جنایی انگلستان» از مهدی معتمدی مهر. تهران: نشر زیتون، ۱۳۸۰ اشاره نمود. پایان‌نامه‌های نسبتاً زیادی نیز موضوع خود را به بررسی حقوقی، اجتماعی، جرم‌شناسی و روان‌شناسی خشونت خانگی علیه زنان اختصاص داده‌اند که به بحث خشونت جنسی نسبت به زوجه نیز به عنوان زیرمجموعه‌ای از خشونت خانگی در آنها از مورد اشاره قرار گرفته است، مانند:

«بررسی آثار حقوقی خشونت خانگی علیه زنان». نوشته‌ی محدثه صادقیان لمراسکی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه قم، تابستان ۱۳۸۶؛ «بررسی حمایت‌های حقوقی، اجتماعی از زنان در برابر خشونت خانگی»، اکرم عرب پورباقرانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۸ و...

مقالاتی نیز که در این باب نوشته شده‌اند غالباً یا با دید جرم‌شناسی و جامعه‌شناختی به مسأله خشونت علیه زنان پرداخته‌اند؛ همچون «تبیین جامعه‌شناختی خشونت شوهران علیه زنان» نوشته جمعی از نویسندگان فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، سال هفتم، شماره ۲۳، سال ۱۳۹۲ و «جرم‌شناسی خشونت جنسی علیه زنان» مصطفی‌السان فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۱. که ضمن بررسی تجاوز علیه زنان به پدیده خشونت جنسی توسط همسر نیز اشاره می‌کند راهکار پیشگیری از آن را در وهله اول فرهنگ‌سازی و در وهله دوم حمایت‌های قانونی می‌داند و یا مقاله «جرم‌انگاری خشونت جنسی در حقوق بین‌الملل کیفری» نوشته روناک خاک، مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، سال بیست و پنجم، شماره ۳۹، همین‌طور که از عنوان آن برمی‌آید منعکس‌کننده دیدگاه حقوق بین‌الملل در بحث خشونت جنسی علیه زن بوده و به‌طور خاص ابعاد خشونت جنسی علیه زوجه در فقه و حقوق تاکنون مورد بحث و بررسی قابل توجهی قرار نگرفته است.

ه) ضرورت انجام تحقیق:

در اغلب سیستم‌های حقوقی دنیا مسأله واداشتن اجباری زن به تمکین و اعمال خشونت جنسی علیه وی، یکی از اشکال خشونت علیه زنان برشمرده شده و در بسیاری از کشورهای دنیا نیز مورد جرم انگاری قرار گرفته است؛ برخلاف حقوق ایران که به دلیل بافت فرهنگی و سنتی جامعه و همچنین تابو بودن این مسأله سعی شده تا کمتر در این حوزه سخنی به میان آید. از طرف دیگر ملهم بودن قوانین ما از شرع مقدس اسلام و اینکه تمکین به‌عنوان یک تکلیف شرعی برای زن و حق مسلم مرد پس از وقوع زوجیت دانسته شده، حتی در صورت هرگونه اقدام در جهت رفع این معضل با این ذهنیت مواجه خواهیم شد که این امر برخلاف شرع و دستورات شارع مقدس است، به‌طور کلی در حقوق ایران، این موضوع به شکل مستقل مورد بحث جدی قرار نگرفته و به‌گونه‌ای ابعاد مختلف آن دارای ابهام است و بدین جهت بررسی آن ضروری می‌باشد. لذا تحقیق پیش رو، بررسی ابعاد فقهی و حقوقی موضوع مطروحه را مورد توجه قرار داده است، امید است که بابتی باشد برای پر کردن خلأهای موجود در قوانین و حقوقی کشورمان در ارتباط با مقابله با خشونت علیه زوجه در محیط خانه به‌ویژه خشونت جنسی علیه آنان به بهانه‌ی تجویز شرع.

و) هدف‌ها و کاربردهای مورد انتظار از انجام تحقیق:

اهداف عمده‌ای که در این نوشتار مورد نظر می‌باشد به شرح ذیل است:

- ۱- تبیین جرم خشونت جنسی نسبت به زوجه در قوانین کشورهای کامن لایی به‌منظور آشنایی با مفهوم این نوع از خشونت خانگی
- ۲- تبیین خلأهای تقنینی در حوزه خشونت‌های جنسی نسبت به زوجه در حقوق ایران
- ۲- کمک به مقنن و ارائه پیشنهادهایی در راستای بازنگری قوانین کیفری و ارتقاء قوانین حمایتی همه‌جانبه از زنان در حقوق ایران
- ۳- یافتن مبانی جرم‌انگاری خشونت جنسی نسبت به زوجه در حقوق غرب و تبیین مبانی جرم-انگاری این مصداق از خشونت در فقه اسلامی

ز) روش تحقیق:

روش تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی بوده است. در این پژوهش از منابع کتابخانه‌ای شامل کتب، مقالات، پایان‌نامه‌های موجود در دانشگاه، سایت‌های معتبر اینترنتی و لوح‌های فشرده حقوقی، استفتاء از دفتر مراجع عظام و... استفاده شده است.

ح) ساماندهی تحقیق:

با توجه به سؤالات مطروحه در این تحقیق، این نوشتار به سه فصل تقسیم شده است، نخست برای تبیین موضوع خشونت جنسی نسبت به زوجه فصل اول این تحقیق به کلیات اختصاص یافته است تا در آن ضمن تعریف واژگان کلیدی تحقیق و بیان انواع خشونت جنسی نسبت به زوجه و پیامدهایی که اعمال این خشونت بر سلامت جسمی و روانی و... زنان برجای می‌گذارد به منظور آشنایی بیشتر با ابعاد موضوع تحقیق و پی بردن به اهمیت موضوع مورد بحث پرداخته می‌شود، سپس در ادامه فصل برای آماده‌سازی ذهن مخاطب برای پذیرش اصل موضوع به بررسی تحولات تاریخی و تقنینی پیرامون خشونت جنسی نسبت به زوجه و همچنین مبانی جرم‌انگاری آن در حقوق غرب می‌پردازیم

در فصل دوم، برای پاسخگویی به سؤال اول این تحقیق رویکرد حقوقی کشورهای غربی به خشونت جنسی نسبت به زوجه ابتدا مورد اشاره قرار خواهد گرفت چراکه جرم خشونت جنسی نسبت به زوجه که محور اصلی این نوشتار را تشکیل می‌دهد، صرفاً در کشورهای غربی است که به عنوان جرم در نظر گرفته شده است لذا در مباحث این فصل نیم‌نگاهی به قوانین مجازات برخی از این کشورها خواهیم داشت.

در فصل سوم نیز به منظور پاسخ به سؤال دوم این تحقیق رویکرد فقه و حقوق موضوعه ایران نسبت به خشونت جنسی نسبت به زوجه را جویا خواهیم شد تا ضمن تطبیق این دو نظام با یکدیگر به ذکر مصادیق قابل احصاء خشونت در فقه و حقوق ایران بپردازیم و ببینیم آیا می‌توان مبنایی برای جرم‌انگاری برخی از مصادیق خشونت جنسی نسبت به زوجه بیابیم و در آخر نیز به بیان راهکارهای کیفری و غیر کیفری مقابله با این گونه از خشونت، تا زمان تخصیص قوانین ویژه این موضوع، اشاراتی خواهیم داشت.

فصل اول: کلیات

در این فصل ابتدا به توصیف و تبیین واژگان پرکاربردی که در متن استفاده شده می-پردازیم، سپس در ادامه این فصل به بررسی تحولات حقوقی موضوع، به منظور آشنایی با روند جرم‌انگاری خشونت جنسی نسبت به زوجه در حقوق غرب و نظام بین‌المللی و همچنین ذکر مصادیق و پیامدهای مرتبط خشونت جنسی نسبت به زوجه و مبانی جرم‌انگاری آن خواهیم پرداخت.

مبحث اول: مفاهیم ناظر بر خشونت جنسی نسبت به زوجه

در این مبحث ضمن تعریف کلیدواژه‌های تحقیق، به بررسی جنبه‌های مختلف آن که به موضوع بحث حاضر مرتبط باشد می‌پردازیم.

گفتار اول) مفهوم خشونت

واژه خشونت از ماده‌ی خشن «خشن الشئ یخشن، خشونۃ»^۱ به معنای درشتی هر چیز است و در برابر نرمی می‌آید و نیز به معنای زبری در برابر صافی و همواری است.^۲ همچنین در فرهنگ دهخدا در معانی کلمات زیر عموماً مورد استفاده قرار می‌گیرد:

«درشتی، درشتی کردن، درشت‌خویی، تندخویی و همچنین ناهنجار به‌کاررفته است.»^۳
خشونت در لاتین معادل واژه‌ی «Violence» بوده که از ریشه لغت «vis» مشتق شده و به معنای زور و عنف و تعدی است.^۴

فرهنگ حقوقی بلک خشونت را «استفاده نابجا و غیرقانونی از قدرت که معمولاً با شدت، نفرت یا خشم همراه است و اعمال غیرقانونی نیروی بدنی در برابر حقوق عموم، قوانین و آزادی عمومی...» تعریف می‌کند.^۵ آنچه از این معنای خشونت برداشت می‌گردد این است که استفاده از قدرت و... تا زمانی که قانونی باشد مشمول عنوان خشونت نمی‌شود و همچنین جامع تمامی موارد خشونت اعم از خشونت گفتاری و... نیست.

۱. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، چاپ اول، (قم: نشر جامعه مدرسین، سال ۱۴۱۴ ه.ق)، ج ۴، ص ۱۷۰

۲. محمد معین، فرهنگ فارسی معین، چاپ اول، (تهران: دبیر، ۱۳۸۲)، جلد ۱، ص ۱۰۰۴

۳. علی اکبر دهخدا، لغت نامه، چاپ اول، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۷) جلد ۲، ص ۵۸۹

4. <https://www.merriam-webster.com/dictionary/violation>. Retrieved 16 may 2017.

5. Henry Campbell Black and Other, (2004), **Black's Law Dictionary**, West Group, 8th ed. p1570

اصطلاح خشونت از مفاهیم مهم و اختلافی حقوق کیفری است، هرچند در بادی امر بسیار بدیهی و بی‌نیاز از تعریف به نظر می‌رسد اما به دلیل گستردگی محدوده‌ی خشونت که طیف وسیعی از آزار و اذیت‌های روحی، جسمی، جنسی را دربر می‌گیرد در مقام تعریف می‌توان از ابعاد مختلف تعاریف متعددی از آن به دست آورد.

در یک جلسه‌ی مشورتی سازمان جهانی بهداشت در خصوص خشونت و سلامت؛ «خشونت، به استفاده‌ی عمدی از نیرو یا قدرت فیزیکی، ارعاب یا تهدید، بر خود یا دیگری و یا علیه یک گروه یا جامعه که منجر به آسیب جسمی، آسیب روانی، سوء رشد و تکامل یا محرومیت و درنهایت مرگ می‌شود و یا احتمال وقوع این موارد را بالا می‌برد.»^۱ تعریف گردید. این تعریف نشان‌دهنده این امر است که اعمال خشونت با استفاده از نیرو و قدرت فیزیکی میسر می‌گردد و در آن بیشتر، تأکید بر تهاجم فیزیکی شده است. نکته دیگری که از تعریف برداشت می‌گردد این است که اعمال این قدرت، جنبه غیرقانونی ندارد و دربرگیرنده خشونت روانی نیز نیست.

در یک تعریف دیگر، خشونت «حالتی از رفتار است که با استفاده از زور فیزیکی و یا غیر فیزیکی، فرد خشن، خواسته‌ی خود را به دیگری تحمیل می‌کند. در معنای وسیع کلمه به هر نوع سوءاستفاده از قدرت یا اعمال فشار و تندی در رفتار اطلاق می‌شود. در معنای محدود و دقیق آن، بدرفتاری و ضرب و جرح یا وارد آوردن آسیب‌های فردی و اجتماعی همراه با تندخویی و کلمات مستهجن نظیر فحاشی و توهین است.»^۲ این تعریف به جهت اشاره به زور غیر فیزیکی علاوه بر رفتار فیزیکی تعریف به نسبت کامل‌تری است اما جامع معنای خشونت نیست، چراکه خشونت فقط شامل اعمال غیرمجاز نیست بلکه در اعمال مجاز نیز ممکن است رخ دهد و این واژه را نباید تنها در یک معنای محدود معنا نماییم.

تعریف فمینیست‌ها از خشونت، تفسیر موسعی است. بر اساس نظر آن‌ها «هر رفتاری که قربانی را برخلاف میلش وادار به انجام کاری نماید یا مانع از انجام کار موردعلاقه وی و یا اینکه موجب ترس قربانی شود، در زمره رفتارهای خشونت‌آمیز است.»^۳ این تفسیر از خشونت چون از سوی فمینیست‌ها مطرح شده است بیشتر بر مفهوم خشونت علیه زنان صدق می‌کند و موارد

۱. شهیندخت مولاوردی، کالبدشکافی خشونت علیه زنان، (تهران: حقوقدان: دانش نگار، ۱۳۸۵)، ص ۳۴

۲. سجاده‌مظفری زاده، ترمینولوژی جرم‌شناسی، چاپ اول، (تهران: شرکت نشرپهینه فراگیر، ۱۳۹۱)، ص ۲۱۸

3. Jones Stephen, (2000), *Understanding Violent Crime*. Open University Press. 1st Edition. P3

دیگر خشونت مانند خشونت بر مردان و... را دربر نمی‌گیرد. همچنین بر اساس این تعریف؛ خشونت مصادیق فراوانی می‌یابد.

همچنین از نگاهی دیگر خشونت می‌تواند بر دو نوع باشد؛ خشونت مثبت که خشونت ناشی از اعمال قانون است و خشونت منفی که خارج شدن از حد مرز قانون است. ولی در عین حال هر دوی این مصادیق می‌توانند خشونت محسوب شوند؛ اما از دیدگاه حقوقی خشونت بیشتر به رفتارهای غیرقانونی نظر دارد^۱، ممکن است رفتاری در عرف حقوقی جامعه‌ای استفاده‌ی نابجا و غیرقانونی از قدرت تلقی گردد، ولی در نظام حقوقی‌ای دیگر وضع بدین منوال نباشد مانند همین اصطلاح خشونت جنسی نسبت به زوجه که ارتکاب بدون رضایت آن در بیشتر نظام‌های حقوقی جهان به دلیل داشتن ماهیت تعرض‌آمیز نسبت به همسر، مورد جرم انگاری قرار گرفته است؛ ولی در جامعه دیگر نه تنها از مصادیق خشونت به حساب نیامده بلکه به‌عنوان یک تکلیف بر عهده‌ی زن نیز گذاشته شده است.

باید این مسأله را مدنظر داشت که با توجه به فراوانی افعال و ترک افعال (جسمی، روحی، جنسی، مالی و اجتماعی و...) که به فراخور موقعیت می‌توانند خشونت‌آمیز تلقی شوند و همچنین طیف گسترده‌ای از افرادی که می‌توانند موضوع اعمال این‌گونه افعال یا ترک افعال خشونت‌آمیز قرار گیرند، مانند (کودکان، زنان، مردان، اعضای خانواده و...)؛ به دست آوردن تعریف صحیحی از خشونت، به‌گونه‌ای که بتواند تمامی وجوه آن را در برگیرد امری دشوار است و تاکنون نیز تعریف جامع‌ومانع‌ی از خشونت که راهگشای معنای این واژه لغزان در تمامی تحقیقات و... باشد، ارائه نشده است.

خشونت معنای ثابتی ندارد و از جامعه‌ای به جامعه دیگر می‌تواند متفاوت باشد. لذا با توجه به این امر که هر یک از تعاریف موجود در باب خشونت در یک موضوع خاص دارای نقایصی است؛ خشونت را باید فقط در همان موضوع خاص تعریف نمود.

۱. مرتضی محمدی، «تمکین قدرت زنان یا خشونت مردان»، *مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۲۳، بهار ۱۳۸۳، ص ۴۳

گفتار دوم) مفهوم خشونت جنسی

همان‌گونه که اشاره شد، خشونت به نسبت این‌که در چه جامعه‌ای، چه زمانی و نسبت به چه کسانی رخ دهد به انواع مختلفی تقسیم می‌شود. یکی از انواع خشونت، خشونت مبتنی بر جنسیت بوده که اصلی‌ترین مصداق آن به جهت فراوانی موضوع، خشونت علیه زنان است. خشونت علیه زنان عبارت است از «هرگونه عمل خشنی که مبنای جنسیتی داشته و منجر به آسیب جنسی، فیزیکی، روانی و یا رنج زنان شود و درنهایت چنین رفتاری می‌تواند با تهدید، اجبار یا سلب مطلق اختیار، منجر به سلب آزادی آنان، هم در زندگی خصوصی و هم در زندگی اجتماعی شود.»^۱ طبق این تعریف خشونت علیه زنان پدیده‌ای است که در آن زن به دلیل جنسیت خود مورد اعمال زور و تزییع حق از سوی جنس دیگر خود قرار می‌گیرد، حال اگر این رفتار در چهارچوب روابط زن و شوهری و حوزه خانواده به وقوع افتد، خشونت خانگی نامیده می‌شود.

خشونت خانگی علیه زنان خشونتی است که در محیط خصوصی و عموماً در بین افرادی که به سبب صمیمیت، ارتباط خونی و قانونی به یکدیگر پیوند خورده‌اند، رخ می‌دهد. خشونت خانگی تقریباً جرم وابسته به جنسیت خاص محسوب می‌شود که مردان به زنان وارد می‌کنند و می‌تواند شامل رفتار خشونت‌آمیز پدر نسبت به دختر، خشونت برادر نسبت به خواهر، خشونت زوج نسبت به زوجه و به عبارتی خشونت محارم باشد.^۲

خشونت جنسی زوج نسبت به زوجه که موضوع این قسمت می‌باشد، در دل این تعریف از خشونت خانگی قرار گرفته است و بسته به نوع صدمات و آزارهای وارده از سوی همسر به پنج نوع قابل طبقه‌بندی است.

(۱) خشونت جسمی: مانند ضرب و شتم همسر، سیلی زدن، لگدزدن و ایراد آسیب بدنی به زوجه.

(۲) خشونت روانی و کلامی: مانند تهدید و رفتارهای تحقیرآمیز پست به صورت مداوم نسبت به زوجه، فحاشی و بیان الفاظ رکیک، تحقیر شخصیت و تمسخر زن.

(۳) خشونت اجتماعی: شامل منع اشتغال و تحصیل، ممنوعیت ارتباط با بستگان.

(۴) خشونت مالی: مانند نپرداختن خرجی و نفقه زوجه.

1. UN Doc. General Assembly, **Declaration on the Elimination of Violence against Women**, A/RES/48/104

۲. محدثه صادقیان لمراسکی، «بررسی آثار حقوقی خشونت خانگی علیه زنان»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، تابستان ۱۳۸۶، صص ۲۳-۲۲